

چکیده:

رویکرد مقام معظم رهبری به همه موضوعات همچون سیاست خارجی نشأت گرفته از مبانی سیاست خارجی در اسلام همچون عدالت، توحید، اصل نفی سبیل و پایبندی به معاهدات بوده است. گرچه در جهت پیشبرد این اهداف و محورها باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان الگوهای رفتاری خاصی همچون نرمش، انعقاد قرارداد و.. اتخاذ کرد. هدف و محور اصلی پژوهش بررسی ماهیت الگوهای رفتاری مقام معظم رهبری در سیاست خارجی یعنی عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی است. در تجزیه و تحلیل این سوال، به موضوعاتی هم- چون کالبد شکافی مفاهیم عزت، مصلحت و حکمت در سیاست خارجی و ارتباط آن با امت- گرای، ظلم ستیزی، گسترش اسلام، مذاکره با دشمنان، نرمش قهرمانانه، منافع ملی، قدرت و نفوذ منطقه‌ای، امنیت، اقتدار ملی و... پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، مقام معظم رهبری، ایران، اسلام، امنیت

^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی (اندیشه سیاسی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

k.abbasi60@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

رهبر معظم انقلاب اسلامی اصول بنیادین و خدشه ناپذیر دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی را بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت بنا نهاده‌اند. تاکید بر این سه اصل به عنوان یک مجموعه به هم پیوسته خاصه در سال‌های اخیر مورد تاکید و از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است. نکته دیگری که در این پژوهش به آن اشاره خواهد شد تبیین و شرح جایگاه واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی در نگاه و رویکرد مقام معظم رهبری است و اثبات خواهد شد که در منظومه فکری رهبری این دو اصل روابط بین‌الملل در رویکرد رهبری برابر و متعادل است و هیچ‌گاه کفه ترازو به نفع یک اصل نچرخیده و نگاه متعصبانه‌ای به آن وجود ندارد بلکه رهبری برای وصول به اهداف متعالی انقلاب اسلامی با حفظ و استمرار اصول و درک صحیح از مقتضیات زمان و ساختار نظام بین-الملل دارای فکر نرمشی و چرخشی منطقی برای اثبات حقانیت نظام اسلامی است.

پیشینه تحقیق

- مجموعه منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دو جلدی). اثر عبدالحسین خسروپناه. منظومه فکری عبارت از مجموعه نظام‌مند و متشکل از اجزا و عناصر مرتبط و هدفمند با محوریت هسته مرکزی در عرصه نظام بینشی و ارزشی و کنشی است. این اثر در صدد است تا با مطالعه مجموعه مکتوبات، منشورات، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، هندسه و منظومه فکری معرفی ایشان را به نگارش در آورد. منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، در قالب نظریه نظام‌های بینشی (جهان‌بینی)، ارزشی و رفتاری، و کنشی (نظام‌های اجتماعی و اهداف اجتماعی) تدوین شده است. برخی از پرسش‌های این تحقیق عبارت است از: نظام فکری مطلوب نزد رهبر معظم انقلاب در عرصه بینش، ارزش و کنش چیست؟ اصول راهبری رسیدن به این نظام چیست؟ نهادهای مرتبط با نظام‌های بینشی، ارزشی و کنشی برای تحقق نظام جامعه مطلوب دارای چه وظایف اساسی هستند؟..

- یکی از مهمترین این آثار در زمینه بررسی رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی کتاب راهبردهای سیاست خارجی می‌باشد که برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور است و توسط دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) منتشر شده است. این کتاب در شش فصل به بررسی راهبردهای سیاست خارجی در بیانات مقام معظم رهبری در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور می‌پردازد. اگرچه اهمیت زیادی در این راستا دارد اما تحلیل موشکافانه و تقسیم شده‌ای در خصوص مبانی فکری و معرفتی و در مرحله بعد تحلیل

روشنمندان از رویکرد مقام معظم رهبری نشده است. همچنین تبیین مفهوم مذاکره و نرمش قهرمانانه نیز به صورت ویژه در این کتاب مورد بررسی قرار نگرفته است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری به قلم منصور حاتمی راد دیگر مقاله‌ای است که در خصوص رویکرد مقام معظم رهبری به ارائه تحلیل پرداخته است. مقاله مذکور در برگیرنده برخی از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری پیرامون سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران است ولی در مقابل نتوانسته است به طور جامع ابعاد رویکردی مقام معظم رهبری را در خصوص سیاست خارجی همچون این پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. در همین راستا مقاله‌ای دیگر با نام واکاوی تئوریک دیدگاه‌های رهبر انقلاب در خصوص تحولات منطقه به نگارش درآمده است که چنانچه از عنوان این مقاله پژوهشی برمی‌آید تمرکز نگارنده بر موضوع انقلاب‌های متعدد در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده و تمرکز تحلیل آن بر این بخش از رویکردهای مقام معظم رهبری می‌باشد و محدودیت زمان و جغرافیای سیاسی دارد. لذا پژوهش فعلی تلاش دارد با جامعیت به تحلیل رویکرد مقام معظم رهبری در تمامی ابعاد و جغرافیای انسانی بپردازد و به تبیین دیدگاه ایشان در حوزه مذاکره و مفهوم نرمش قهرمانانه بپردازد.

چارچوب مفهومی

«عزت، حکمت و مصلحت» را می‌توان به عنوان سه اصل محوری و ثابتی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن شکل گرفته است نام برد؛ سه اصل محوری که رهبر انقلاب در سال‌های گذشته به عنوان پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند و همچنین تعامل ایران با جهان را در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور بر پایه این سه اصل پیش-بینی کرده‌اند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی این سه اصل را «یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین-المللی» دانسته و فرمودند: عزت: ((الاسلام یعلو و لایعلی علیه))، ((لن یجعل الله للكافرين علی المؤمنین سبیلاً)) (سوره نسا. ایه ۱۴۱). یعنی ما نمی‌خواهیم عزتمان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه دنیا با تکیه به آنها دور خودشان یک حصار می‌کشند ثابت کنیم. (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب، دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸) در برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله کشور ابلاغی ۱۳ آبان ۱۳۸۲ از سوی رهبر انقلاب عنوان شده است که جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز اینگونه است، دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. در برنامه‌های مختلف توسعه پنج‌ساله کشور نیز از عزت، حکمت و مصلحت به عنوان یک اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یاد می‌شود. آیت الله خامنه‌ای

نسبت بین حکمت و مصلحت و عزت را اینگونه بیان می‌دارند که: «حکمت و عزت و مصلحت مکمل هم‌اند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجه‌ی اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند. یعنی تسلیم، انسلام، انظلام، نه در مرحله باورهای قلبی و نه در مرحله عمل و قرارداد، نباید وجود داشته باشد؛ این با حکمت امکان‌پذیر است». (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۹۳/۲/۳۱) معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. (سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۳۶۸/۱۱/۰۹)

در نگاه رهبر انقلاب، عزتمندی نقش اساسی بازی می‌کند. گاه عزت در سخنان ایشان به استقلال بسیار نزدیک می‌شود به گونه‌ای که انسان این دو را یکسان و یا همزمان می‌پندارد. یعنی ملت مستقل؛ عزتمند است و ملت عزتمند؛ مستقل. در اساس عزت در مقابل دشمنان و بیگانگان تعریف می‌گردد به گونه‌ای که رهبری در یک تقسیم‌بندی از خودی و غیر خودی، خودی‌ها را دغدغه مند نسبت به استقلال و عزت کشور می‌دانند. عزت در سخنان رهبری بعد فرهنگی قدرتمندی دارد که عبارت است از اعتماد به نفس که حس ما می‌توانیم را برای حرکت به سوی استقلال، پیشرفت و اعتلای جامعه فراهم می‌کند. اما این راهبرد سیاست خارجی، درون زاست و برآمده از درون است. عزت مولفه‌هایی دارد که تکمیل کننده ابعاد استحکام درونی کشور است. استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و مردم محور و مردم مبنا بودن، از مولفه‌های جدی عزت است که البته اسلام درون مایه آن می‌باشد. یعنی ملت مومن حامی نظام سیاسی مومن با برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و علمی و فرهنگی مومن می‌باشند. از این‌رو عزت ملی یک راهبرد سیاست خارجی درون‌زا برای بازی در عرصه بین‌المللی و جایابی در هندسه جدید جهانی است.

آیت الله خامنه‌ای در تعریف عزت می‌گویند: عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد. وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه می‌شود، مثل یک حصار عمل می‌کند، مثل یک باروی مستحکم عمل می‌کند؛ نفوذ در او، محاصره‌ی او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار می‌شود؛ انسان را از نفوذ و غلبه‌ی دشمن محفوظ نگه می‌دارد. از سوی دیگر برای جایابی و تثبیت ایران در هندسه جدید جهانی نیز، عزت نقش آفرینی می‌کند. (سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۱/۳/۱۴)

این اصول از لحاظ ماهوی در مقابل سه عنصر مطرح در غرب، مورد توجه قرار گرفته است. در

مقابل عزت، غرور سیاسی قرار دارد. ایشان در بیاناتشان مسئله عزت ملی را مطرح کردند که ما باید در قبال غرور ملی که یک مقوله مادی‌گرایانه است، مسئله عزت ملی را مطرح کنیم. در حقیقت چون به هر حال ما رسولان انقلاب هستیم، به عنوان مسلمان و مومن ضرورت دارد که در جامعه جهانی عزت خود را حفظ کنیم.

حکمت یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸) و اما مصلحت؛ مراد مصلحت شخص من و شما نیست که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود، نه، گران هم تمام بشود! مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، چه اهمیتی دارد؟ مصلحت یعنی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما- بخصوص شما- شروع می‌شود» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۰/۴/۱۸)

حکمت هم به معنی تدبیر، خردمندی و عقلانیت است. یک فرد حکیم و اندیشمند، با یک فرد جاهل متفاوت است. حکیم در هر مقوله اجتماعی سیاسی که می‌خواهد تصمیم‌گیری کند، تدبیر و خردش را به کار می‌گیرد. در واقع این در مقابل رفتار مزدورانه و دروغ‌مدارانه غرب است؛ یعنی بر اساس همان چیزی که در سیاست ماکیاولی مطرح می‌شود. در غرب می‌گویند سیاست یعنی دروغ، حقه بازی و کلک. این همان چیزی است که ماکیاولی در قرن پانزدهم مطرح کرد. رهبر انقلاب در اینجا مفهوم حکمت را با تعریف خاص خودش به کار می‌برند. یعنی سیاست نه به معنی دروغ، نه کلک و نه فریب، که به معنی تدبیر و خردمندی است. بر این اساس ایشان نه تنها در صدد فریب دادن دشمن نیست، بلکه بر اساس معیارهای اسلامی صادقانه اذعان می‌کند که دنبال این مسئله نیستیم. بنابراین در اینجا هم حکمت با همین معنی تعریف شده است. (منوچهر محمدی، ۱۳۷۷: ۳۹)

در همین راستا مصلحت هم یک امر روشن است. در واقع در هر تصمیم‌گیری مصلحت اسلام و مسلمین را هر چه باشد عمل می‌کنیم. در واقع بر اساس آن چیز که مصلحت است، عمل می‌کنیم. یعنی با توجه به اولویت‌ها و مصالح و منافع جهان اسلام تصمیم می‌گیریم و لذا این هم هدف ماست. هدف ما تصمیم‌گیری و تبیین آن چیزی است که براساس مصالح اسلامی به آن عمل می‌کنیم. آنچه در پیامها و فرمایشات مقام معظم رهبری مورد تاکید بوده و در واقع ستون فقرات سیاست خارجی کشور در برخورد با استکبار را تشکیل می‌دهد، این است که «در تعامل

با کشورها و حضور فعال در صحنه سیاست خارجی هرگز نباید به اصول و مبانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران کوچک‌ترین خدشه‌ای وارد شود؛ بلکه همواره باید عزت، حکمت و مصلحت نظام مورد توجه قرار گیرد و بر استقلال و عزت اسلامی و اجتماعی تأکید شود». (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۱/۵/۲۷)

اهداف سیاست خارجی در آرای مقام معظم رهبری

- استراتژی نفی رابطه سلطه گر و سلطه پذیر

اصل ۱۵۲ قانون اساسی، اصل عدم تعهد را در سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر- می‌شمارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است». حضرت آیت الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر کارساز نبودن تسلیم در مقابل دشمن می‌فرماید: «بزرگترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دوپست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های شرق و به خصوص ملت‌های اسلامی آمده همین مرعوب شدن و عقب‌نشینی کردن در مقابل تبلیغات و هجمه‌های غرب است». در رابطه با راه علاج و مقابله با دشمنان و بدخواهان می- فرماید: «ملت ایران یک راه علاج دارد و همان راه علاجی است که تا به امروز دنبال کرده و آن ایستادگی و حضور مردم در صحنه است» و تأکید می‌کنند که «عزت، آزادی و استقلال ما در سایه ایستادگی در مقابل استکبار جهانی است». (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۵/۱). از دیدگاه، رهبر معظم انقلاب، در عرصه سیاست خارجی با چنان پشتوانه و روحیه‌ای باید به ایفای نقش، مذاکره و هم‌اوردی پرداخت تا قدرت‌های سلطه‌گر متکبر نتوانند خواسته‌های خود را تحمیل کنند.

مقام معظم رهبری با درایت و تسلط بر قوانین مندرج در قانون اساسی اولویت‌های سیاست خارجی را مشخص و معین فرموده‌اند: «سیاست خارجی ایران به طور کلی بر این مبناست که، ما با کشورها بر اساس قانون اساسی و بر اساس اصول اسلامی با کشورهایی که سر تعرض با ما ندارند، رابطه خصمانه نداریم، کسانی که با ما سر تعرض دارند و شیوه خصومت در پیش می‌گیرند، ما هم در مقابل با آنها خصومت آمیز برخورد می‌کنیم. اگر خصومت آنها نظامی بود، ما هم متقابلاً خصومت نظامی خواهیم داشت. اما کشورهایی که با ما سر خصومت ندارند و مایلند با ما ارتباطات دوستانه یا برادرانه داشته باشند، ما نسبت به آنها روی خوش نشان می‌دهیم و دست دوستی به سوی آنها دراز می‌کنیم». (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب، دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۳)

در دیدگاه رهبر انقلاب نیز مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، و حمایت از مظلومان و طرفداری از اسلام از جمله اصول مستحکم سیاست خارجی است؛ آنجا که می‌فرمایند: «دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است، کنار نیامدن با ظالم، رشوه‌نپذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن بر حقیقت، این‌ها چیزهایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود، اینها را باید دنبال کنیم، اصول اینهاست». (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۶/۸/۱۳۸۰) در نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تسلط نظام سلطه نسبت به هر ملت و هر کشوری و در هر جایی مردود است، زیرا در این صورت منافع آن ملت نادیده گرفته شده و هویت و عزتش نابود خواهد شد. (سخنرانی رهبر انقلاب در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۸/۱/۱۳۹۰) در دکترین آیت‌الله خامنه‌ای اساس سیاست خارجی این است که ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را به عنوان یک ستون مسأله در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم و این فکر را در دنیا ترویج و منعکس نماییم. (دیدار رهبری با مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۲۵/۵/۱۳۸۳)

ضدیت با نظام سلطه در دکترین سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای در سه سطح منطقه‌ای، بلوک یا امت اسلامی و بین‌المللی، قابلیت به‌کارگیری دارد و ممکن است به همین ترتیب نیز از اولویت برخوردار باشد. در سطح منطقه‌ای و کشورهای همسایه‌ی ایران که به طور طبیعی حوزه‌ی نفوذ ژئوپلیتیک، امنیتی، اقتصادی، تمدنی و فرهنگی کشور به حساب می‌آیند، مبارزه و مقاومت در برابر نفوذ و سلطه‌ی بیگانگان اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا در این حوزه ترتیبات مذکور دارای تأثیر و تأثر از یکدیگر بوده و وضعیت کشورهای همسایه به طور طبیعی از یک پیوستگی و گره‌خوردگی برخوردار است. (امینی، ۱۳۶۴: ۲۷) در سطح بلوک یا امت و کشورهای جهان اسلامی نیز که از آنها به عنوان عمق اعتقادی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی یاد می‌کنند، ضدیت با نظام سلطه عاملی وحدت بخش و چاره‌ای برای برون‌رفت از مشکلات و عقب‌ماندگی‌های موجود به حساب می‌آید. از طرف دیگر این نفی با بازگشت ملت‌های مسلمان به هویت اصیل و اسلامی خود همراه خواهد بود. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشور- های اسلامی با رهبر انقلاب، ۹/۶/۱۳۹۰)

در سطح سوم که سطح بین‌المللی است، ایده‌ی ضدیت با سلطه، مخاطبان فرامنطقه‌ای و جهانی خود را پیدا کرده است و جمهوری اسلامی ایران بر اساس این دکترین به مطرح شدن یک فکر نو و یک راه نو در برار بشریت و در سطح جهانی و معادلات کلان حاکم بر سیاست جهان مبادرت ورزیده است، زیرا دیو مهیب و نفرت‌انگیز سلطه‌ملت‌ها را تهدید می‌کند؛ تهدیدی

که فقط متوجه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران نیست و متوجه همه‌ی دنیا است، متوجه اصل و اساس انسانیت است. اقتدار سیاسی آن است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست جهانی حضور فعال داشته باشند، به آنها تحمیل سیاسی نشود، کسی نتواند به آنها زور بگوید و کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند. (رهبر انقلاب در مراسم مشترک دانشگاه-های افسری ارتش، ۱۳۸۴/۴/۳۰)

رهبر انقلاب نظام سلطه را دارای سابقه تاریخی می‌داند و این پدیده را محدود به زمان معاصر نمی‌داند، تنها تفاوتی که برای نظام سلطه در عصر جدید قایل هستند، پیشرفت‌های علمی و فناوری آنهاست که این اجازه را به آنها می‌دهد تا به نقاط مختلف دنیا دست درازی و لشکرکشی نمایند. «قدرت‌های سلطه‌گر و زورگوی جهانی البته در طول تاریخ همیشه بوده‌اند، اما با پیشرفت علم و صنعت و با امکانات ارتباطاتی مدرن، این سلطه‌گری برای آنها آسانتر شده است. لذا می‌بینید آمریکائی‌ها نسبت به همه‌ی جهان ابراز طمع ورزی می‌کنند و با این بهانه که منافع ما در فلان جا به خطر افتاده است، وارد می‌شوند». (بیانات در نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام^(ره)، ۱۳۸۷/۳/۱۴)

حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای، دیپلماسی جهانی را در نگاه سلطه‌گران، صفحه شطرنجی دانستند که برخی کشورها باید در آن نقش سرباز نظام سلطه را ایفا کنند و هرگاه منافع قدرت‌ها ایجاب کرد قربانی شوند، در همین راستا ایشان می‌فرمایند: «ما رفتار نظام سلطه را به هیچ وجه قبول نمی‌کنیم، البته داعیه سلطه‌گری نداریم اما در هیچ موضوعی، زیر بار سلطه نمی‌رویم و شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده (سلطه‌گر-سلطه‌پذیر) می‌دانیم». (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب، دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶/۵/۳۰)

رهبر انقلاب در تشریح نظام سلطه اینگونه می‌فرمایند که: «نظام سلطه یعنی اینکه در دنیا یک امپراتوری قدرت وجود دارد، متشکل از طرف‌هایی. در مقابل آنها، منابع ثروت متعلق به ملتها وجود دارد. رابطه بین این دو قطب، رابطه سلطه است؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. او سلطه‌گری می‌کند؛ ملت‌هایی هم که یا خاکشان، یا آبشان، یا نفت‌شان، یا منابعشان، یا موقعیت سوق الجیشی-شان مورد نیاز آن مرکز قدرت است، باید سلطه‌پذیر باشند و آنچه را که او لازم دارد و منافعی تأمین می‌شود، تقدیم او کنند». (دیدار با برگزیدگان استان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۴) این جمله به خوبی مفهوم سلطه‌گری و اهداف نظام سلطه را بیان می‌کند. در نگاه رهبر انقلاب این منازعه که ناشی از روحیه سلطه‌گری است همیشه وجود دارد، و در نتیجه حوادثی که در دنیا رخ می‌دهد در قالب همین چارچوب قابل تحلیل است.

مقام معظم رهبری نفی و عدم پذیرش سلطه و استکبار را به عنوان یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین محورهای روابط سیاسی ایران با سایر جوامع برمی‌شمارند چنانچه در بیانات خود می‌فرمایند: «باید سعی کنید که همه در دنیا بدانند که ملت و دولت ایران، انگیزه و هدفش این است که می‌خواهد با فکر خود، با نیروی خود، با اراده خود، در راه سعادت خود قدم بردارد؛ این آن چیزی است که ما به عنوان یک ملت دنبالش هستیم، ما با ملت‌های دنیا با دولت‌های گوناگون عالم، بنای همکاری و تفاهم داریم؛ البته نه با زورگوها و کسانی که می‌خواهند همه مسائل را با تکیه بر قدرت خودشان حل بکنند؛ با اینها آلمان در یک جوی نمی‌رود». (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷)

اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی به معنای نفی سلطه و حاکمیت سیاسی و مکتبی شرق و غرب و برقراری حاکمیت و ولایت نظام اسلامی بر جامعه است. چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اصل نه شرقی، نه غربی، به معنای عدم تسلیم در برابر افزون خواهی مستکبرانه و مقابله جدی با دست اندازی به منافع امت اسلامی است». (منشور دولت اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۸۸)

بنابراین معنای شعار نه شرقی و نه غربی نفی سلطه و وابستگی است و این به معنای نفی رابطه براساس احترام متقابل و با رعایت اصل استقلال کشور نمی‌باشد. «خطوط اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی - که پایه آن اصل ((نه شرقی و نه غربی)) است تغییر نیافته و هرگز هم قابل تغییر نیست و جنجال هوچیگرانه دشمنان هم قادر نیست دولت و ملت ایران را از راهی که با بصیرت انتخاب کرده و با معرفت پیموده است منحرف سازد». (در پیامی به مناسبت سالگرد ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۳/۱۳)

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی همواره تلاش مجریان و مسئولان وزارت خارجه بر ایجاد آرامش و فراهم آوردن امکان صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح منطقه بوده و جهت‌گیری کلی سیاست نظام به سوی گسترش و تقویت روابط بدون تشنج با کشورهای اسلامی و دولت‌های غیرمحابر و مبارزه با استکبار و سلطه‌پذیری بوده است، چنانچه معظم له می‌فرماید: «ما با نظام ارباب- رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم». (سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه ۱۳۶۸/۰۹/۲۹)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان عالی‌ترین مقام در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی و همچنین به عنوان زعیم امت اسلامی، از یک دکترین مشخص در سیاست خارجی بهره‌مند

هستند که ضدیت با نظام سلطه در کانون این دکترین ایشان قرار می‌گیرد. از این رو هر مؤلفه دیگری که بتواند به تقویت راهبرد ضدیت با نظام سلطه کمک کند، در چهارچوب این دکترین قابل تعریف است. تقویت اقتدار و استقلال سیاسی کشورها که خود در گرو تقویت بنیان‌های علمی و به دنبال آن پیشرفت‌های اقتصادی است، به عنوان مفاهیم مرتبط با ضدیت با نظام سلطه تعریف شده و جایگاه روشنی در دکترین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت حمایت معنوی و استقلال جمهوری اسلامی ایران از اقتدار و استقلال سیاسی کشورها در سه سطح منطقه‌ای، بلوک اسلامی و بین‌المللی با توجه به این دکترین صورت می‌پذیرد؛ دکترینی که به هم‌ریختن مناسبات سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی در نظام بین‌المللی را هدف قرار داده و به دنبال استقلال سیاسی و افزایش اقتدار غیر تهدیدآمیز دیگر کشورها و تعامل با آنان بر پایه مصالح و منافع کشور با در نظر گرفتن اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت است. (اسدی، ۱۳۸۰: ۲۴)

اصل حفظ و حمایت از هویت نظام اسلامی (حفظ جهت‌گیری اسلامی انقلابی)

یک از وجوه بسیار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی حفظ وجه انقلابی سیاست خارجی آن است. انقلاب اسلامی ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از انقلاب‌های مدرن قرن بیستم متمایز می‌کند به طور مثال اینکه: «انقلاب اسلامی اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی اروپایی نبود و بدون قدرت حمایت‌های بزرگ به حیات خویش ادامه داد، این انقلاب دارای بنیان‌های مذهبی بسیار عمیقی بود که توسط روحانیون رهبری می‌شد». (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۷) با توجه به اهداف جهان شمولی که جمهوری اسلامی تعقیب می‌نماید، مسلماً منافع قدرت‌های بزرگ و مستکبر جهانی را به خطر می‌اندازد و طبیعی است که این دولت‌ها ساکت نخواهند نشست و سعی خواهند کرد با به کار گرفتن کلیه ابزار فشار و زور به طرق مختلف آن را به زانو در آورده و از تعقیب اهدافش باز دارند؛ چنانچه در اندیشه رهبری نیز مهمترین عامل اختلاف و دشمنی ابر قدرت‌ها با ایران بر سر همین مسئله می‌باشد به طوری که می‌فرمایند: «همان چیزی که موجب دشمنی‌ها با است، همان چیز موجب پیشرفت دیپلماسی است. یعنی همین روحیه اسلامی، تمسک اسلامی، توسل و تمسک به اصول اسلامی و...». (بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱) انقلاب اسلامی ایران ماهیتی جهانی و پیام انبیاپی به همراه دارد که در قالب تنگ زمان و مکان جای نمی‌گیرد. از این رو در عرصه مسائل بین‌المللی و جهانی با چالش‌های فراوانی روبروست. (شیدائیان، ۱۳۸۶: ۶۶) در همین راستا مقام معظم رهبری عوامل موثر در فعالیت‌ها و رفتار سفیران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را بسیار گسترده و پیچیده و در عین حال ظریف و حساس دانسته و معتقدند که اقتدار نظام جمهوری اسلامی در پابندی سفرا و نمایندگان سیاسی به اصول اسلامی است:

«برادران عزیز! هر چه پایبندی به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تاکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا و حتی مخالفان ما بدان اذعان دارند، درجه اول مدیون تقید و پایبندی شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید... چیزی که در ما استثنایی است و توجه دنیا و احترام دیگران را جلب می‌کند، همین پایبندی ما به یک فکر و اعتقاد الهی است که آن را نشان می‌دهیم. این اعتقاد و پایبندی را هر چه ممکن است حفظ کنید و این کار با ظواهر و امانت اسلامی و پایبندی‌های شدید اسلامی تامین خواهد شد و لاغیر!» (سخنرانی در جمع سفرا و نمایندگان سیاسی، ۱۳۶۸/۴/۳۱) گسترش جنجال‌های تبلیغاتی و جنگ روانی دشمن علیه جمهوری اسلامی دلیل اقتدار ملت ایران می‌باشد و رهبری تاکید دارند که استکبار سلطه به همه دنیای اسلام را می‌خواهد و قصد دارند که تمامی سرزمین‌های اسلامی را در دست‌های مجرم و گنهکار خود قبضه کند. (حاتمی راد، ۱۳۷۵: ۲۴)

رویکرد اسلامی نه تنها در تکوین انقلاب بلکه در وجه انقلابی سیاست خارجی ایران نیز موثر می‌باشد لذا «هرگونه تقلیل و تخفیف‌گرایی در مواضع، سویه‌ها و اقدامات، بسترساز تهدیدی به نام عبور از خود و براندازی خود شده و نظام مستقر را در معرض بحران و ناکارآمدی قرار می‌دهد». (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۹) مقام معظم رهبری نیز برای تداوم خطوط کلی و سیاست‌های کلان نظام اسلامی تاکید خاصی دارند و می‌فرمایند: «باید تصمیم بگیریم که خط انقلاب را به معنای حقیقی کلمه و بدون هیچگونه کمبود و کسری و پذیرش ساییدگی در گوشه‌ای از این هدف‌ها با قاطعیت و قدرت به سمت هدف‌های انقلاب ادامه دهیم». (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲) مقام معظم رهبری با بیان اینکه «اگر ما برای جامعه انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شد و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت ۱۳۷۷/۶/۲) همچنین در راستای اهمیت حفظ هویت دینی و اسلامی کشور در حوزه روابط سیاسی در سطح بین‌الملل این چنین می‌فرماید «اهداف راهبردی و قواره کلی سیاست خارجی امروز ما با ساعت اول انقلاب هیچ تفاوتی نکرده؛ این، آن نکته اساسی و اصلی است که در ذهن همه کارگزاران سیاست خارجی ما بایستی وجود داشته باشد». (بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱)

استراتژی حمایت از مظلومان و مستضعفان

امروز وظیفه مسلمانان جهان در مقابل سایر مردم وظیفه‌ای دوچندان است چرا که امروز فردی که مورد ظلم واقع شده است فردی مسلمان است و همان‌طور که در اسلام نیز تاکید بسیار شده است مسلمان باید در مقابل ظلم در هر جای دنیا برخیزد و مقابله کند. امام علی^(ع) نیز در آخرین لحظات عمر خود خطاب به فرزندان‌شان فرمودند: «هر کجا که ظالمی دیدید با آن دشمنی کنید و از مظلومان حمایت کنید» (جعفری، ۱۳۷۵: ۹۳) در اسلام حرکت علیه ظالم و حمایت از مظلوم یک اصل به شمار می‌آید. با بیانات مقام معظم رهبری که در خطبه‌های نماز عید سعید فطر نیز بر این اصل انسانی و بشری اشاره و بر لزوم حمایت همه‌جانبه جامعه جهانی به ویژه جامعه اسلام از مردم مظلوم غزه و فلسطین تاکید کردند. یکی از مزیت‌های نسبی و برگ‌های برنده جمهوری اسلامی ایران در میان همه کشورهای اسلامی، حمایت حقیقی و دائمی از گروه‌ها و مردم تحت ظلم در سراسر جهان است؛ تا جایی که رسانه‌های غربی هر حرکت ضد-استکباری و ضداستعماری در جهان را که در کشوری صورت بگیرد، به نحوی به ایران مربوط می‌دانند. این رویکرد حمایتی ایران از گروه‌ها و نهادهای مستضعفی که در برابر قدرت‌های سلطه‌گر ایستادگی می‌کنند، سبب شده تا نام جمهوری اسلامی ایران با حمایت از مظلومان عجین باشد و ملت‌های مظلوم در سراسر جهان، به جمع حامیان ایران بپیوندند.

هدف نظام اسلامی، هدف و راهی است که اسلام معین کرده نه در آن ظلم هست و نه تجاوز به حقوق انسانها و نه بی‌اعتنایی به تجاوزاتی که مردم ظالم نسبت به مردم مظلوم روا می‌دارند. هدف جمهوری اسلامی، سعادت نسل بشر و عزت و خوشبختی و بهروزی امت واحده اسلام است. (امینی، ۱۳۶۰: ۲۷) «ملت آزاده ایران هم‌اکنون از ملت‌های مستضعف جهان، در مقابل آنان که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سر نیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت-های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم». (صحیفه امام، ج ۱۱، ۱۳۷۸: ۲۹۵)

اهمیت جایگاه دین و ایدئولوژی در سیاست خارجی

ایدئولوژی جایگاه پسینی را در تعریف سیاست داشته و آن را جهت‌دهی می‌کند. بسیاری از اندیشمندان معتقدند این منافع ملی است که نقش هدایتگری در سیاست خارجی را بر عهده دارد، غافل از اینکه منافع ملی هم توسط ایده‌ها و ارزش‌ها و در دامن فرهنگ تعریف می‌شود. از همین‌رو است که بسیاری از تحلیلگران به بررسی ریشه‌های ایدئولوژیک کشورها پرداخته‌اند، زمانی که از ایدئولوژی سخن به میان می‌آید گاه معانی متضادی از آن اراده می‌شود که گاهی

اوقات با مبانی دینی در تعارض است و در نتیجه با توجه به ماهیت دینی نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌توان رابطه‌ای میان آن با سیاست خارجی پیدا کرد. (واعظی دهنوی، ۱۳۹۱: ۱۲۳) جمهوری اسلامی نظامی است که مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب محمدی بوده و بنابر این ایدئولوژی اسلامی (ایدئولوژی به معنایی که با اسلام تعارضی نداشته باشد) نقش مهمی در ساختارهای آن ایفا می‌کند. این نظام، نظامی است که مهمترین ویژگی آن این است که نظامی است برپایه ایمان به: خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین و ...

نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند. (اصل دوم قانون اساسی) و به همین دلیل بر اساس اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای اموری به کار برد که یکی از آنها «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» می‌باشد. (منصوری، ۱۳۷۶: ۵۶) اسلام، آیینی است جامع، فراگیر، جاودانه و... مخاطبان احکام اسلامی و قوانین قرآنی، نژاد و گروه خاصی در زمان و مکان ویژه‌ای نیستند، بلکه همه مردم، از هر نژاد و ملیتی، با هر زبان و فرهنگی و دارای هر عقیده و مرامی، در سراسر گیتی و در همیشه تاریخ، مخاطب پیام‌ها و مشمول احکام و آیین-ای اسلام و قرآن هستند.

ورود دین به عرصه سیاست امری طبیعی و موافق اهداف ارسال رسل از سوی خداوند بوده و ضرورتاً و برای دفع زیاده‌طلبی انسان‌های زیاده‌خواه، برقراری قسط و عدل، پیاده‌سازی احکام الهی و... باید دین وارد این سیاست شده و با وجود شرائط مساعد، اقدام به تشکیل حکومت نیز بنماید. به نظر می‌رسد از آنجا که هرگاه دین وارد عرصه سیاست شده و با دشمنان انسانیت به مبارزه برخاسته و دست شوم آنان را از سر منافع مادی و معنوی ملت‌ها کوتاه کرده است لذا آنان همواره با ورود دین به عرصه اجتماع و سیاست به مخالفت پرداخته و در این راه سنگ اندازی کرده‌اند. این بدان معنا نیست که دین دارای مشکل بوده بلکه چون هدف اصلی دین، از میان بردن قواعد ناعادلانه بازی سیاسی در میان بشر می‌باشد و برخی این را بر نمی‌تابند با آن به مبارزه خواسته و هر روز علیه آن به توطئه می‌پردازند.

آیت الله جوادی آملی در بیانی نغز در این رابطه چنین می‌فرماید: «اسلام از آن جهت که دین الهی است و از آن جهت که کامل و خاتم همه ادیان و مکتب‌هاست، برای اجرای احکامش و

برای ایجاد قسط و عدل در جامعه، حکومت و دولت می‌خواهد. برای نبرد با طاغوت و ستیز با ظلم

و تعدی طاغوتیان، حکومت و حاکم می‌خواهد». (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۶) براساس بیانات رهبری یکی از فاکتورهای هندسه نوین جهانی، توجه به خداوند متعال است. نشانه بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی. بشر امروز، که به علت سیاست برخی از کشورها غرق در لذایذ مادی شده است، در درون خود نوعی خلأ را احساس می‌نماید. ره‌آورد چنین سیاست‌هایی برای بشر امروز یا پوچ‌گرایی بدون ارزش‌های اخلاقی و معنوی درونی است یا غرق ماندن در امور مادی و ظاهری. (احمدی فر، ۱۳/۵/۱۳۹۲)

نگاه جهان شمول در سیاست خارجی

اسلام به عنوان یک دین جهان شمول رویکرد خاصی نسبت به ماهیت روابط بین‌الملل دارد که متفاوت از دو جریان اصلی نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل یعنی رئالیسم و لیبرالیسم می‌باشد. مکاتب موجود در روابط بین‌الملل دارای مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی متفاوتی از هم می‌باشند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۴۹)

بازگشت دین به عرصه نظام بین‌الملل باعث شده تا این موضوع از منظرهای گوناگون و جدیدی مورد مطالعه دانشگاهیان، دانش‌پژوهان و صاحب‌نظران مختلف قرار گیرد. اسلام با داشتن پارامترهای قدرتی مهم و تاثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل، مهمترین دین مطرح در این مباحث فکری محسوب شود. (ونلی، ۱۳۸۹: ۱۶) در دهه‌های گذشته اصول‌گرایی دینی به عامل تاثیرگذاری مهمی هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. دین سیاسی شده جایگاه خود را در عرصه سیاست بین‌الملل پیدا کرده است. بنیادگرایی با انگیزه دینی و تنازع بین‌المللی بر روی موضوعات حقوق بشری از جمله حقوق بشر دینی از همه بیشتر در موضوعات سیاست بین‌الملل مطرح می‌باشد. به علاوه موضوعات و مسایل فرامرزی مانند حقوق بشر زنان و طرح کنترل موالید در خانواده نیز دارای وجوه دینی هستند و موضوعاتی مانند تروریسم، اصول‌گرایی دینی و اسلام سیاسی با تاکید بیشتری مورد مطالعه قرار می‌گیرند. (سیمبر و قربانی شیخ نشین، ۱۳۸۹: ۳۴) یورگن مایر پنج سناریو را برای آینده دین و سیاست ارائه می‌کند که مثبت‌ترین آن معالجه سیاست به وسیله دین است، و به این تناقض اشاره می‌کند که اگر چه دولت‌های مدرن اغلب از لحاظ اخلاقی فاسد دانسته می‌شوند و از لحاظ معنوی در خلاء هستند ولی سکولاریسم به وسیله دین و ارزش‌های آن تعدیل می‌شود. برای نزدیک‌تر کردن دین و سیاست خطرات کمتری وجود دارد تا اینکه وضعیت فعلی در مورد

سکولاریسم باقی بماند. (هانسون، ۱۳۸۹: ۳۷۰) طلایع انقلاب اسلامی ایران که در قالب یک حرکت مردمی و ناب شکل گرفت و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی خواستار ایجاد شکل جدیدی از روابط میان ملل جهان بود نه تنها نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران بلکه نقطه عطفی در همه جهان محسوب می‌شود. احیای اسلام مهمترین ثمره انقلاب اسلامی ایران است. با این حرکت عظیم جهان اسلام پویایی نوینی یافت که پس از مدتی آثار آن به خوبی در لبنان، افغانستان، ترکیه، الجزایر، عراق و سایر کشورهای اسلامی به خوبی احساس می‌شد. تفکر بازگشت به اسلام ناب جوهره تفکر همه این حرکت‌ها محسوب می‌شود. (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۹: ۲۵)

اصل حفظ تعامل با جامعه جهانی

تلاش همه‌جانبه برای پایان دادن به ناآرامی‌ها، برادرکشی‌ها، خشونت‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای و بی‌عدالتی‌ها در هر نقطه از جهان خواست قطعی همه ملت‌ها در جامعه جهانی است. در تعاملات بین‌المللی، دولت تلاش خواهد نمود تا با ایجاد اعتماد متقابل بهتر و بیشتر بین ایران و کشورهای منطقه و جهان، امنیت ملی و پیرامونی خود را گسترش دهد. «جمهوری اسلامی ایران خواهان تعامل با جامعه جهانی و سازمان ملل متحد است». (ظریف، سخنرانی در سازمان ملل متحد، ۲۸/۱۳۹۲/۶) ایران با ارایه چهره‌ای مثبت برای حل مسایل مختلف بین‌المللی علاقمندی خود را به تعامل با همه کشورهای جهان برای حل موضوع‌های مختلف نشان داده است. نمونه این رویکرد را هنگامی شاهد بودیم که بسیاری از کارشناسان داخلی و خارجی، گفتگوهای هسته‌ای را بی‌ثمر می‌دانستند اما تاکید بر ادامه رایزنی‌ها و تعامل نشان داد که برای ایران، دوری از انزوا و تلاش برای ورود در عرصه‌های جهانی موفقیت‌آمیز خواهد بود و نه تنها امری شدنی بلکه ضروری است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان فرهنگیان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ۱۳۹۰/۹/۳) از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای تشکیل بر اساس آموزه‌های اسلامی با هدف گسترش عدالت، آزادی خواهی، برابری و صلح در جهان و برای تمامی جهانیان بنیان نهاده شد، بنابراین گسترش روابط با کلیه ملت‌ها و کشورهای جهان براساس احترام متقابل و منافع مشترک، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و تأکید بر نهادینه شدن حقوق بین‌الملل، تلاش در جهت کاهش تشنج در منطقه و جهان، تقویت انسجام و وحدت کشورهای اسلامی و غیر متعهد «از جمله اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، حال و آینده به شمار می‌رود، افتخار ایران و جمهوری اسلامی ایران آن است که هیچ‌گاه در طول تاریخ تجاوزی را به کشوری صورت نداده، و همواره با وجود آنکه در کانون مطامع جهانی قرار داشته، اما در ترتیبات صلح آمیز جهانی نقش مؤثر و فعال داشته است». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار

نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۷۶/۴/۱۱) بنابراین، تعامل با جهان در صورتی که بر پایه ارزش‌های نظام و منافع ملی باشد، یک خط‌مشی مطلوب است. اما بر اساس آموزه‌های رهبری، این خط‌مشی اولاً شامل رژیم اشغالگر قدس نمی‌شود و مبنای این امر، ذات نامشروع این رژیم است. ثانیاً در مورد امریکا نیز این خط‌مشی اثرگذار و مفید نیست. زیرا این کشور نیز ذات خصمانه‌ای دارد و با ماهیت و هویت اسلامی این کشور مشکل دارد. ضمن اینکه تجارب مذاکرات هسته‌ای هم این نکته را ثابت کرده است.

صرفنظر از رژیم صهیونیستی که امحای آن از وعده‌های الهی و سیاست‌های تغییر ناپذیر نظام است، مساله نفی تعامل با امریکا یک چشم‌انداز و افق روشن تاثیرگذار بر سیاست خارجی ج.ا.ایران دارد. از آنجا که ممکن است برخی افراد در عرصه سیاست خارجی تصور کنند که از طریق مذاکره می‌توان با امریکا تعامل کرد و رابطه عادی برقرار نمود، پیام رهبری این است که این امیدها، واهی و بی اساس است و قطعاً ابعاد رسمی سیاست خارجی کشور نباید برنامه دیپلماسی را بر این اساس طرح ریزی نمایند. (واعظی، ۱۳۸۳: ۳۳) مسئولیت دولت‌ها در حفظ نظم و صلح جهانی از جمله مواردی که جمهوری اسلامی ایران به آن اهمیت زیادی در سیاست خارجی خود می‌دهد. امری که تمامی دولت‌ها را فارغ از جایگاه و توان آنان در بر می‌گیرد. حفظ صلح و نظم جهانی متعلق است به تمامی مردمان جهان و هیچ کشوری از جمله قدرت‌های بزرگ نباید حق برقراری نظم را برای خود قایل بوده و برای آن از هر وسیله‌ای بهره گرفته و دیگران را با استفاده از زور وادار به تمکین کنند. (ایزدی، ۱۳۷۱: ۲۳) به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران عدم نقض قواعد و هنجارهای بین‌المللی وظیفه تمامی دولت‌ها است و نمی‌توان هیچ دولتی را از مسئولیتی که نسبت به نظام بین‌المللی دارد مبرا دانست. این امر تنها از طریق توسعه روابط مسالمت آمیز میان دولت‌ها ممکن است. پذیرش حاکمیت و عدم مداخله در امور دیگران دو اصل اساسی در این زمینه است. جمهوری اسلامی ایران به این امر باور دارد که مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تنها تعهد به عدم تجاوز به حقوق دیگران نمی‌باشد، بلکه تعهد به اجرای قواعد و هنجارهای مورد اجماع بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد و این امری است که ما به آن باور داشته و به آن عمل کرده و خواهیم کرد. (رمضانی، ۱۳۸۰: ۶۸)

اصل تأمین و تضمین منافع ملی

جمهوری اسلامی ایران معتقد است جامعه جهانی باید به یک درک مشترک برسد که در آن منافع تمامی ملت‌ها مورد احترام قرار گرفته و همین امر شرط تحقق همکاری و صلح در جهان قرار گیرد، نه پی ریزی نظامی سلسله مراتبی که در آن کشورهای جهان برای تحقق منافع گروه

خاصی از دولت‌ها فعالیت می‌کنند. تروریسم ارمنان چنین نظمی است و باید به دنبال ریشه‌های روانی، سیاسی و فرهنگی آن بود. به هر اندازه حاشیه نشینان نظام بین‌المللی فزونی یابند، اقدامات غیر متعارف آنان برای بیان خواسته‌ها و عقایدشان بیشتر خواهد شد. ترور و تروریسم در هر شرایط آن محکوم است به عنوان نمونه در جهت ادعای فوق می‌توان عملکرد ایران را در مورد اقدام تروریستی ۱۱ سپتامبر برشمرد. اما این نکته را هم باید در نظر داشت که بعد از ۱۱ سپتامبر، دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر نه یکپارچه تداوم داشته و نه یکباره همه چیز تغییر کرده است. در قالب این تداوم و تغییر است که می‌توان نقش فزاینده دولت‌ها و بازگشت جدی و مؤثر آنها در عرصه تامین امنیت، کم شدن نسبی نقش بازیگران غیردولتی و ظهور بازیگران شبکه‌ای را شاهد بود. جمهوری اسلامی ایران همواره در سیاست خارجی خود تفاوت را پذیرفته و بر اساس آن نگرشی دو سویه برای حق و منافع کشورها قایل است. نظام جمهوری اسلامی ایران احترام متقابل را مبنا قرار داده و بر اساس آن حاضر است با تمامی کشورهای جهان، به غیر از رژیم صهیونیستی، همکاری و ارتباطی سازنده برقرار سازد. لازمه این امر پذیرش حاکمیت، احترام متقابل، و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر است که خود را به آن پایبند دانسته و امیدواریم دیگران نیز خود را به آن پایبند بدانند.

رهبری ایران در برابر چالش‌های اقتصادی و توسعه‌ای برای نسل‌های آینده، و حفظ توان و دانش بومی کشور مسئولانه عمل می‌کنند. در این مسیر، توانایی و دانش هسته‌ای صلح‌آمیز کنونی کشور باید به عنوان میراث نسل انقلاب برای آیندگان به عنوان یک دستاورد ملی و با اهداف صلح‌آمیز تضمین شده، باقی بماند. می‌توان گفت که مدیریت دیپلماسی کشور، اقدامی است که در بسیاری موارد، شبیه به صفحه شطرنجی است که نه به جنگ محدود می‌شود و نه هدفش محو کامل منافع ملی است، بلکه هدف اصلی آن، دستیابی به راه‌حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی به گونه‌ای است که منافع و ارزش‌های اساسی، حفظ و تأمین گردند. این هدف دربرگیرنده سیاست جاری است و از طریق فرایندهای اجبار و انطباق پیگیری می‌شود تا در نهایت، به گرفتن بیش‌ترین امتیازات ممکن بیانجامد و موقعیت و جایگاه خودی، تا حد امکان بدون هرگونه تزلزلی حفظ شود.

بنابراین اجرایی شدن این امر «نیازمند یک نگرش فرا جناحی است تا راه‌حلی معقول را برای برطرف کردن شرایط غیرعادی بیابد و به گونه‌ای عمل کند تا منافع و ارزش‌های اساسی، حفظ و تأمین گردند». (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در کنفرانس اندیشه اسلامی ۱۳۶۸/۱۱/۱۲) این هدف دربرگیرنده سیاست مثبت‌نگری و دوری از

جنجال آفرینی با اظهارات غیرواقعی است و از طریق فرایندهای اجبار و انطباق پیگیری می‌شود تا در نهایت به گرفتن بیشترین امتیازات ممکن از عرصه بین‌الملل شود و موقعیت و جایگاه خودی، تا حد امکان بدون هرگونه تزلزلی حفظ شود. چنانچه در مذاکرات اخیر توافقات بسیار مثبتی با جامعه جهانی صورت گرفت و موقعیت ما در عرصه بین‌الملل در سطح بالایی تثبیت شده است اما هنوز برای رسیدن به هدف مدنظر باید منتظر ماند. (سهرابی، ۱۳۸۹: ۳۴)

استفاده از ظرفیت‌های داخلی و حفظ منافع ملی، عدم اعتماد به نظام سلطه، توجه به آرمان‌های انقلاب، از مهمترین مطالبات رهبری از دولتمردان می‌باشد، تحولات اخیر نشان داده است که چنانکه با هوشمندی و اقتدار در عرصه‌های مختلف بین‌المللی حضور یابیم تثبیت موقعیت برتر منطقه‌ای و اعتبار بین‌المللی ایران اسلامی در کوتاه‌ترین زمان، ممکن خواهد بود، اما لازمه آن ترجیح منافع ملی بر منافع گروهی است.

نتیجه‌گیری

در طراحی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بصورت همزمان باید به اصل واقع‌گرایی و شناخت اقتضاعات و محدودیت‌های روابط بین‌الملل توجه گردد. در دیپلماسی خارجی سیاستگذار هم به دید آرمانی اسلام که تشکیل تمدن بزرگ اسلامی است توجه دارد و منفعل و خسته نیست و هم شناخت خوب منطقی است برای درک محدودیت‌ها، مرزبندی‌ها و پذیرش واقعیت‌های موجود در جامعه جهانی اگر تا میلی درست و موشکافانه در سیره و منظومه فکری و ابعاد شخصیتی امام خمینی «ره» و مقام معظم رهبری داشته باشیم به روشنی مشخص خواهد شد که این دو رهبر انقلاب اسلامی واقع‌گرایی و استدلالی و منطقی و آرمانگرایی پرنشاط و انقلابی را بصورت همزمان در قالب فکری خود جمع کرده‌اند و این‌گونه است که توازن بینی واقع‌گرایی در عمل و رویه و آرمانگرایی در اندیشه و تفکر جمع می‌شوند. اگر نرمش قهرمانانه با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی متوازن و آگاهانه هماهنگ گردد مقدمات پیروزی قهرمانانه فراهم شده است.

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری بر مبنای اصول فقهی و دینی است؛ همان اصولی که منشا پیدایش انقلاب بود و همچنان بر مبنای آن مواضع و دیدگاه‌ها اخذ می‌شود و طی دوران پس از انقلاب تاکنون هیچ تغییری در این مواضع ایجاد نشده است و مویدی بر فرضیه این مقاله است که انقلاب اسلامی ایران همچنان بر اصولی پای می‌فشارد که موجب و علت بروز و ظهور آن بوده است. آنچه در پیامها و فرمایشات مقام معظم رهبری مورد تاکید بوده و در واقع ستون فقرات سیاست خارجی کشور در برخورد با استکبار را تشکیل می‌دهد، این است که در تعامل با کشورها

و حضور فعال در صحنه سیاست خارجی هرگز نباید به اصول و مبانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران کوچکترین خدشه‌ای وارد شود؛ بلکه همواره باید ((عزت، حکمت و مصلحت)) نظام مورد توجه قرار گیرد و بر استقلال و عزت اسلامی و اجتماعی تاکید شود.

افق کاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌المللی تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول بنیادین عزت، حکمت و مصلحت است و می‌شود از این مفاهیم این معنا را استنباط کرد که تغییر در نظام سلطه بین‌المللی در صورت ممکن شدن از طریق تعامل سازنده و دیپلماسی فعال و نرم خواهد بود. در واقع اهداف سیاست خارجی تامین کننده منافع ملی ایران اسلامی بوده و در راستای نهادینه کردن حاکمیت ملی در نظام متحول بین‌المللی است. مقام معظم رهبری میدان دیپلماسی را صحنه تعامل و هموردی برای تامین منافع ملی با تکیه بر مؤلفه‌های قدرت ملی می‌دانند و معتقدند که در مسائل سیاست خارجی، جهت‌گیری اسلامی با در نظر گرفتن عزت، مصلحت و حکمت باید حفظ شود. به همین دلیل معتقدند که مهمترین اصل در سیاست خارجی حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزشهاست و جمهوری اسلامی ایران، اصول و ارزش‌های خود را که عزت ملی است با هیچ چیز معاوضه نخواهد کرد.

منابع فارسی

کتب

- امینی، ابراهیم (۱۳۶۰)، سیاست خارجی حکومت اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
- احمدی‌فر، سجاد (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه رهبر معظم انقلاب در هندسه نوین جهانی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۱)، سیاست خارجی ج.ا.ا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
- بخشایشی، احمد (۱۳۷۵)، سیاست خارجی ج.ا.ا، تهران، انتشارات آوای نور
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، سیاست خارجی عرصه فقدان تصمیم و تدبیر؟، تهران، نشرگفتمان
- رضا سیمبر، ارسلان قربانی شیخ‌نشین (۱۳۸۹)، اسلامگرایی در نظام بین‌الملل رهیافت‌ها و رویکردها، تهران، دانشگاه امام صادق^(ع)
- منشور دولت اسلامی (۱۳۸۴)، بازخوانی مواضع و انتظارات مقام معظم رهبری از قوه مجریه، دفتر جریان شناسی تاریخ معاصر، قم، همای غدیر
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر
- واعظی دهنوی، عباس (۱۳۹۱)، مبانی سیاست خارجی در اندیشه رهبری، فصلنامه جستارهای سیاسی روز، شماره ۵، بهار
- واعظی، محمود (۱۳۸۳)، تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رساله رایزن یک، وزارت امور خارجه، اداره کل آموزش

مقالات

- امینی، ابراهیم (۱۳۶۴)، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی، مجله نورعلم، شماره ۹
- ابراهیمی، شهرروز (۱۳۸۹)، رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل، دانش سیاسی، سال ششم، پاییز

خبرگزاری

بیانات مقام معظم رهبری، قابل دریافت در:

-leader.ir